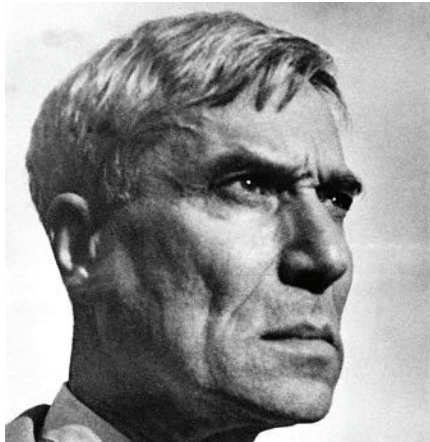


# طنین صدای مردم

بهین - امیر

## سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا در دریافت جایزه ادبی نوبل پاسترناک چه نقشی داشت؟



کمیته "کارن بلیکسن" نویسنده دانمارکی و "آلبرتو مورایا" نویسنده ایتالیایی را پیشنهاد نمی کند. پیشنهاد کمیته انتخاب "بوریس پاسترناک" بود. بلیکسن و مورایا پس از آن هرگز نتوانستند جایزه نوبل دریافت کنند.

"آندرس اوسترلینگ" روزنامه نگار و نویسنده که در آن زمان منشی دائمی آکادمی بود در یادداشت های خود نوشته است: "بررسی رمان پاسترناک با وجودی که غیر اصیل بود، اطمینان مراد و چندان کرد که او یکی از مهم ترین نویسندگان کنونی است. قدرت جسارت پر جوش او و خلوص هنرمندانه او این یقین را در من به وجود آورد."

اما همین آندرس اوسترلینگ یک سال پیشتر نوشته بود آثار بوریس پاسترناک در اتحاد جماهیر شوروی اجازه نشر ندارد و نمی توان او را جزء نویسندگانی بشمار آورد که "طنین صدای مردم" هستند. چنین قضایای البته تأیید کننده نظر قدیمی تر آکادمی بود. آکادمی سوئد در سال ۱۹۴۶ باور داشت که نویسندگان کمی هستند که مانند پاسترناک "چنین زیاد می نویسند اما چنین کم می فهمند."

انتشار رمان دکتر ژیاگو این باور را تغییر داد. دکتر ژیاگو روایت رنجهای پزشکی به نام ژیاگو و همسرش "لارا" در دوران انقلاب روسیه در سال ۱۹۱۷ تا وقایع جنگهای داخلی است. آندروس اوسترلینگ در اظهارات خود گفته بود این رمان نوعی "غیر اصیل" یافته است. چون که دکتر ژیاگو نخستین بار در پائیز ۱۹۵۷ به زبان ایتالیایی توسط انتشارات "فلترینلی" در میلان منتشر شد.

احتمال اینکه "سیا" دستی در ماجرای انتشار دکتر ژیاگو در پائیز ۱۹۵۷ داشته است را پیش از این نیز در زندگی نامه "جیانکو مو فلترینلی" مدیر انتشارات فلترینلی مطرح شده بود. این زندگی نامه را "کارلو فلترینلی" پسر

به تازگی در مسکو کتابی منتشر شده است که به جریان های پشت پرده انتخاب آکادمی سوئد می پردازد. این کتاب که "رمان شسته شده" نام دارد اثری است از "ایوان تولستوی" که پیش از این روزنامه نگار رادیو اروپای آزاد (رادپو آزادی) در پراگ بوده است.

او در کتاب خود شرح می دهد که چگونه نسخه دست نویس روسی رمان "دکتر ژیاگو" انتشار یافت و چگونه آکادمی سوئد برای تصمیم گیری خود از آن نسخه استفاده کرد. به نوشته ایوان تولستوی "سیا" بطور مخفیانه از نسخه دست نویس رمان عکس برداری کرد و آن را در اختیار مهاجران روسی در پاریس قرارداد. این مهاجران نیز آن نسخه را با کمک انتشارات "فلترینلی" منتشر کردند. بدون آن که موسسه انتشاراتی چیزی از ماجرا بدانند. این روزها در محافل ادبی اروپا از تأثیر دخالت سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) در دریافت جایزه ادبی نوبل ۱۹۵۸ بوریس پاسترناک سخن می رود. در همین مورد روزنامه "زوددویچه زایتونگ" چاپ آلمان در مقاله ای به این موضوع پرداخته است. بر اساس این مقاله، اسناد آکادمی سوئد طی پنجاه سال محفوظ نگاه داشته شدند، اما چند روز پیش اسناد مربوط به سال ۱۹۵۸، سالی که در آن بوریس پاسترناک، نویسنده روسی جایزه ادبی نوبل را برای رمان دکتر ژیاگو دریافت کرد منتشر شد.

"کای شولر" یکی از اعضای سرویس فرهنگی روزنامه "سونسکا داگبلادت" چاپ سوئد، به این اسناد دست یافت و به موضوعی پی برد که خود ماجرائی تاریخی دارد. کای شولر می نویسد که بر پایه اسنادی، جلسه تعیین کننده به شکل رسمی در ۲۵ سپتامبر برگزار شد. کمیته انتخاب نوبل در آن جلسه تصمیم خود را به دیگر اعضای آکادمی سوئد اطلاع داد و اعلام کرد که این

جیانکو مو به پدرش تقدیم کرده است. بوریس پاسترناک هنگامی که خبر جایزه ادبی نوبل را دریافت کرد نخستین واکنشی که نشان داد شوریدگی بود. او در تلگرامی به استکهلم نوشت: **بی اندازه سپاسگزار، منقلب، پرغور، پر وجود و دستپاچه ام.**

اما پاسترناک چند روز بعد جایزه را رد کرد. او از اتحادیه نویسندگان شوروی نیز اخراج شد. گفته می شود پاسترناک به دلیل فشار سنگین حکومت کمونیستی شوروی از پذیرش جایزه نوبل خودداری کرد.

"تاگه ارلندر" نخست وزیر وقت سوئد پیامدهای این انتخاب آکادمی را پیش بینی می کرد. او همان زمان نوشت: "اگر آکادمی بعنوان محکمه سیاسی ظهور کند نمایش رقت انگیزی را ثبت خواهد کرد." بوریس پاسترناک دو سال بعد درگذشت. نسخه کامل و قانونی دکتر ژیاگو نیز تا ستلها در کشورش منتشر نشد. در سال ۱۹۸۸ بود که در روسیه انتشار یافت. ۲۹ سال پس از مرگ پاسترناک در ۱۹۸۹ نوبل ادبیات او به پسرش اهدا شد. بوریس لئونیدوویچ پاسترناک در روز ۱۰ فوریه ۱۸۹۰ در مسکو زاده شد و در ۳۰ مه ۱۹۶۰ درگذشت.

شده و شورای عالی که خود منتخب شوراهائی است، باید نخست وزیر کابینه را انتخاب کنند.

۴- شوراها می توانند شامل شوراهای کارگری، دهقانی، ... باشند و یا این که از شوراهای محلات، روستاها، شهرها، استان ها و... انتخاب شوند. در جمهوری فدرال آلمان دو مجلس کشوری و ایالتی وجود دارند که مجلس ایالتی خودبوسیله نمایندگانی از پارلمان های ایالتی تشکیل شده اند. نوع دیگر، دموکراسی مستقیم است که نمونه آن در کشور سوئیس که هر سال چندبار مردم در امور مهم از طریق فراندوم نظر خود را بیان می کنند. به عنوان نمونه در طرح این موضوع که بطور کلی کشوری چون سوئیس نیازی به ارتش دارد یا ندارد فراندوم انجام شد که نتیجه ۶۰ به ۴۰ به نفع ابقای ارتش بود و در نتیجه ارتش ۴۰ درصد کوچک شد تا عدالت به نسبت آرای مردم تقسیم شود.

### بقیه ای پری کجائی؟

تبلیغاتی، روزنامه ها، رسانه های همگانی و... را در اختیار طبقه ی حاکم و ثروتمند قرار می دهد و محرومان از این امتیازات بی بهره اند.

آن یعنی جاری شدن اراده توده های مردم در حاکمیت ولی در شکل می تواند کاملاً چهره های گوناگون بیابد.

حکومت های دموکراتیک تاکنون در اشکال زیرین عرضه شده اند.

۱- حکومت های جمهوری که در آن قدرت عمده در دست رئیس جمهوری است که هر ۴ سال یکبار (حد اکثر دو دوره که مجموعاً ۸ سال می شود) انتخاب می گردند.

۲- حکومت های که قدرت اصلی در دست پارلمان متمرکز است که با انتخاب نخست وزیر قدرت به او تفویض می شود.

۳- حکومت های شورائی، که در آن منتخبان مردم از طریق شوراها انتخاب